



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigation The Stylistic Features Of ‘ Ghorare Dorar ‘ By Hosseini Samarqandi

H. Poursharif, R. Fahimi*, M. Fallahi

Department of Persian Language and Literature, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 22 December 2019

Reviewed: 25 January 2020

Revised: 09 February 2020

Accepted: 20 March 2020

KEYWORDS

Mohammad Ibn Ahmade
Hosseini Samarkandi, Ghorare
Dorar, Manuscripte,
Text correction,
Stylistic features .

*Corresponding Author

✉ fahimi@iau-saveh.ac.ir

☎ (+98 255) 2241551

ABSTRACT




BACKGROUND AND PURPOSE: The book of ‘ Ghorare Dorar ‘, the work of ‘ Abu-Al- Barakat Hosseini Samarkandi ‘ (alive in the second half of the fifth century AH) is one of the moral-literary texts that despite having instructive anecdotes from the beginning of Islam and the speech of the elders of the people, from the Prophet and his companions and Imams to the saints and elders, unfortunately, after centuries of writing and having valuable manuscripts , it has not been corrected and published. The purpose of this study is to examine the stylistic features of this book at three levels ; linguistic, literary and intellectual .

METHODOLOGY: The present research has been done with descriptive-analytical method and library tools .

FINDINGS: By examining the elders and professors of his narration and the period of their life and year of death and the personalities mentioned in the book , it was discovered that the author of the ‘ Ghorare Dorar ‘ was born in the fifth century AH . Examining the stylistic features of the book , it became clear that the author did not go beyond the standard language of that period in writing his book .

CONCLUSION: The prose of the book is simple and sent , away from special techniques and special verbal restrictions and free from any artificiality and obligation. From a doctrinal and theological point of view the author can be considered a Sunni Sufi who has had a special devotion to the family of the Prophet (peace be upon him) . In terms of structure and content , the book has been compiled in the style of ‘ Tanbih-Al-Ghafelin’ by ‘ abu-Al-leithe Samarkandi’ .

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5014](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5014)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 27	 0	 0

نشریه سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

بررسی ویژگی‌های سبکی «غَرَرِ دُرَر» حسینی سمرقندی

حسین پورشریف، رضا فهیمی (نویسنده مسئول)، منیژه فلاحی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

چکیده:

زمینه و هدف: کتاب «غَرَرِ دُرَر»، اثر ابوالبرکات حسینی سمرقندی (زنده در نیمه دوم قرن پنجم هجری)، یکی از متون ادبی - اخلاقی است که با وجود دارا بودن حکایات آموزنده از صدر اسلام و گفتار بزرگان اُمت از پیامبر و صحابه و امامان گرفته تا اولیا و مشایخ، متأسفانه با گذشت قرن‌ها از نگارش آن و داشتن نسخه‌های خطی ارزشمند، تا کنون تصحیح و منتشر نشده است. هدف این پژوهش بررسی ویژگی‌های سبکی این کتاب در سه سطح زبانی، ادبی و فکری است.

روش مطالعه: پژوهش حاضر با روش تحقیق «توصیفی - تحلیلی» و ابزار «کتابخانه‌ای» انجام شده است.

یافته‌ها: با بررسی مشایخ و استادان روایت وی و دوره حیات و سال فوت آنها و شخصیت‌هایی که در کتاب از آنها یاد شده، پی برده شد که نویسنده «غَرَرِ دُرَر» در قرن پنجم هجری بدنیاً آمده است. با بررسی ویژگی‌های سبکی کتاب، روشن شد که نویسنده در نگارش کتاب، پایش را از زبان معیار آن دوره، فراتر نگذاشته است.

نتیجه‌گیری: نثر کتاب، ساده و مرسل است، به دور از صنایع و قیود لفظی خاص و رها از هرگونه تصنع و تکلفی. از نظر اعتقادی و کلامی نیز میتوان حسینی سمرقندی را «صوفی سنی‌مذهب متأزیدی» دانست که ارادت ویژه‌ای به اهل بیت پیامبر - علیهم السلام - داشته است. کتاب از لحاظ ساختار و محتوا به سبک «تنبیه الغافلین» ابواللیث سمرقندی تدوین شده است.

تاریخ دریافت: ۰۱ دی ۱۳۹۸
تاریخ داوری: ۰۵ بهمن ۱۳۹۸
تاریخ اصلاح: ۲۰ بهمن ۱۳۹۸
تاریخ پذیرش: ۰۱ فروردین ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

محمدبن احمد حسینی سمرقندی،
غَرَرِ دُرَر، نسخه خطی،
تصحیح متن، ویژگی سبکی.

* نویسنده مسئول:

fahimi@iau-saveh.ac.ir ✉

☎ ۲۲۴۱۵۵۱ (۰۹۸ ۲۵۵)

مقدمه

برخی کتابهای اخلاقی از گذشته تا کنون به روش ترکیبی - تلفیقی به رشته تحریر درآمده‌اند؛ به این معنا که روش نقلی را با برهان یا عرفان و یا هر دو درآمیخته‌اند؛ یعنی علاوه بر تسلیم در برابر قرآن و روایات، منقاد برهان و استدلال، یا مطیع عرفان و سلوک و یا این هر دو باهم بوده‌اند. نمونه‌های اینگونه کتابها را از قرن پنجم به بعد مشاهده میکنیم که بتدریج ترقی و تکامل و کاربرد بیشتر یافته‌اند. نمونه آنها «احیاء علوم الدین» غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ ق) است. (گذری بر منابع و مسلکهای اخلاقی اسلامی، رودگر: صص ۱۴۵ - ۱۴۶). «غرر درر» سمرقندی نیز یکی از همین کتابهای تلفیقی است که در ۸۴ باب با موضوع پند و اندرز، مزین به آیات و احادیث و حکایات و گفتار بزرگان دین و پیران صوفیه تدوین شده است. سبک‌شناسی اثری که به اواخر قرن پنجم یا اوایل قرن ششم هجری تعلق دارد و خاستگاه آن، شمالیترین قطب گویشوران زبان فارسی در جغرافیای این زبان - یعنی شهر سمرقند - است، میتواند به روشنتر شدن نقشه زبانی - گویشی فارسی و نیز کشف برخی حلقه‌های مفقود در تحلیلهای سبک‌شناسی آثار کهن فارسی کمک کند.

تصحیح نسخه‌های خطی ادب فارسی نیز، یکی از پژوهشهای ارزنده‌ای است که پژوهشگران میتوانند برای ارتقا بخشی زبان و ادبیات فارسی انجام دهند. حوزه ادبیات تعلیمی و اخلاقی از حوزه‌های تأثیرگذار و مورد توجه در ادبیات است که از گذشته تا کنون آثار فراوانی را به جامعه ادبی شناسانده است. در این میان، تصحیح و معرفی آثار ناشناخته و بکر این حوزه ادبی، کاری ارزشمند و ضروری است. نسخه خطی «غرر درر» اثر محمدبن احمد حسینی سمرقندی از این گونه آثار است که اکنون با گذشت حدود نهمصد سال از نگارش آن، مورد توجه قرار گرفته است. هدف این نوشتار، بررسی ویژگیهای سبکی «غرر درر» در سه سطح زبانی، ادبی و فکری است.

اهمیت و سابقه پژوهش

«غرر درر» حسینی سمرقندی، از متون اخلاقی - روایی قرن پنجم یا حداکثر اوایل قرن ششم هجری است و مشتمل بر حکایات آموزنده و حکمتها و سخنان بزرگان دین از پیامبر و صحابه و امامان گرفته تا اولیا و مشایخ است که متأسفانه تا کنون تصحیح نشده است. همچنین درباره کتاب «غرر درر» و نویسنده آن (حسینی سمرقندی) و ویژگیهای سبک‌شناسی کتاب تا کنون هیچ تحقیقی انجام نشده است. واضح است که متنی چنین کهن، علاوه بر دربرداشتن معارف اخلاقی اسلام تا چه اندازه میتواند بر غنای آگاهی ما از ادوار کهن تصوف اسلامی، عصر مؤلف و طبقه (نسل علمی) او و نیز آموزه‌ها و گفتمانهای غالب این عصر بیفزاید. بررسی ویژگیهای سبکی آن نیز از جهت شناخت تحولات ادبی - زبان‌شناسی به همین اندازه مهم بنظر میرسد. لذا تحقیق بر روی این اثر، در همین نگاه اول، ضروری و غیرتکراری است.

بحث و بررسی

درباره مؤلف و کتاب

نام و نسب و القاب مؤلف «غرر درر»، بر پایه برخی نسخه‌های کتاب و منابع نسخه‌شناسی چنین است: نسخه کتابخانه کاظمینی یزد: «أبی البرکات محمدبن احمد الحسینی السمرقندی» (غرر و درر، برگ ۱ و ۲۶۲)؛ نسخه کتابخانه مرعشی: «شریف ابوالبرکات محمدبن احمدبن محمد الحسینی» (احادیث و اخبار، برگ ۱)؛ «ابوالبرکات محمدبن احمدبن محمد حسینی سمرقندی» (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه میرزامحمد کاظمینی، حسینی

اشکوری، ج ۲: ص ۱۵۲؛ «ابوالبرکات محمدبن احمد حسینی» (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، حسینی اشکوری، ج ۷: ص ۱۸۴)؛ «ابی البرکات محمدبن احمدبن محمد الحسینی» (الآثار الخطیة فی المكتبة القادرية، رؤوف، ج ۵: ص ۷؛ نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دانش‌پژوه و افشار، ج ۷: ص ۵۲۸). برخی منابع نیز با تردید، «غرر درر» را به نویسنده منتسب کرده و آورده‌اند: «گویا از: شریف ابوالبرکات محمدبن احمدبن محمد حسینی» (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نظری، ج ۴۲: ص ۸۰).

با مطالعه گسترده در منابع تاریخ، طبقات، رجال، کتابشناسی، نسخه‌شناسی، تذکره‌ها و کتب انساب، اطلاعات بیشتری درباره حسینی سمرقندی، بدست نیامد؛ اما از بررسی مشایخ و استادان روایت وی و دوره حیات و سال فوت آنها که نخستینشان (محمدبن محمدبن علی الزینبی) متوفای ۴۷۹ (غرر درر، برگ ۷۶ و...) و آخرین آنها (محمدبن احمدبن ابی المنی البروجردی) متوفای ۵۳۸ هجری (غرر درر، برگ ۱۲۴ پ) است و به استناد قاعده اهل حدیث که سن آغاز روایتگری (اجازه و اخذ و نقل) حدیث را «بلوغ» در نظر میگیرند (ن.ک: تدریب الراوی، سیوطی، ج ۱: صص ۴۱۳ - ۴۶۰) میتوان گفت که تولد وی باید در سال ۴۶۵ یا پیش از آن اتفاق افتاده باشد. از بررسی متن نسخه‌ها و سلسله سندها میتوان به سیزده استاد و شیخ روایت او دسترسی پیدا کرد که عبارتند از:

۱. محمدبن محمد السهلکی (م ۵۳۶ ق)؛ ۲. عبدالمجیدبن محمود المراغی؛ ۳. ابوجعفر المراغی؛ ۴. محمدبن أحمد البخاری (۳۹۴ - ۴۸۲ ق)؛ ۵. عبدالمحسن البغدادی (م ۴۸۹ ق)؛ ۶. محمدبن الهاشمی؛ ۷. محمدبن محمد الزینبی (۳۸۷ - ۴۷۹ ق)؛ ۸. علی بن ابی یعلی الحسینی (م ۴۸۲ ق)؛ ۹. أبوبکر بن أحمد الطرشیشی (زنده در قرن ۵ ق)؛ ۱۰. بهرام بن ابی بکر البلخی؛ ۱۱. عاصم بن الحسن البغدادی (م ۴۸۳ ق)؛ ۱۲. عمر بن الحسن البلخی؛ ۱۳. محمدبن احمدبن ابی المنی البروجردی (م ۵۳۸ ق) (غرر درر، برگهای: ۳ پ، ۷۱ ر، ۱۲۷ ا، ۱۲ پ، ۶۲ ر، ۶۴ ر، ۱۵۹ ا، ۷۶ ر، ۷۷ پ، ۷ پ، ۳۰ پ، ۱۸۹ ا، ۱۹ ر، ۱۲۴ پ).

درباره کتاب

ابوالبرکات در آغاز هر باب، پس از عنوان باب، آیه قرآنی مربوط به آن موضوع را بیان کرده است. نویسنده پس از آن، حدیثی در موضوع باب آورده و سعی کرده سلسله سند این احادیث را بطور کامل تا رسیدن به پیامبر (ص) بیان کند. در ادامه، متن حدیث را به فارسی ترجمه میکند. سپس برای تکمیل بحث و تفسیر آیه و بیان نکات در خصوص باب مربوط، به ذکر احادیث دیگر، اقوال صحابه (آثار) و گفته‌های دیگر بزرگان امت و صوفیان مشهور میپردازد و آنگاه تلاش میکند با بیان حکایات آموزنده و اخلاقی، موضوع را بخوبی تبیین کند. وی در پایان برخی از بابها نظر فقهی و کلامی خود را نیز با عنوان «قال الشریف» و «قال الشریف ابوالبرکات» بیان کرده است.

ابوالبرکات کتاب خویش را در ۸۴ باب، عمدتاً در موضوع اخلاق و زهد، ترتیب داده است؛ موضوعاتی همچون اخلاص و ترک ریا، نیکی در حق همسایه، منع سخنچینی، فروخوردن خشم، فضیلت عیادت بیمار، حیا، حق والدین و منع غیبت. وی البته به چند موضوع کلامی و فقهی (مانند وصف بهشت و بهشتیان، عذاب قبر، توبه و ندامت، ثواب وضو، فضیلت بانگ نماز، فضیلت نماز جماعت، فضیلت قرآن، فضیلت رمضان، فضیلت زکات، منع اکل ربا، حج و عمره، حق شوهر بر زن، حق همسایه، حق زن بر شوهر) نیز اشاره کرده که در «زهدنامه»های

پیش از وی مثل «الزهد» ابن ابی الدنيا (م ۲۸۱ ق) و «الزهد» حسین بن سعید اهوازی (م بعد از ۲۵۴ ق) سابقه دارند.

نگارندگان با بررسی کتابهای اخلاقی - روایی پیش از «غُرر درر»، دریافتند که حسینی سمرقندی در تدوین کتابش، شیوه همشهری خود فقیه و متکلم نامدار قرن چهارم هجری، ابواللیث سمرقندی (م ۳۷۳ ق)، در کتاب «تنبيه الغافلین» را درپیش گرفته و در انتخاب موضوع نیز از ابواللیث تبعیت کرده و حتی بیشتر عناوین بابهای کتابش را عیناً از «تنبيه الغافلین» گرفته است؛ مانند ابواب: صلۀ الرحم، حق الجار، الصبر علی المصيبة، الاحسان الی الیتیم؛ گاه نیز عناوین را با تغییراتی جزئی آورده است مانند: «الصبر علی البلاء و الشدة» و «فضل شهر رمضان» (تنبيه الغافلین، سمرقندی: صص ۱۱۷ و ۱۵۲) که آنها را بصورت «الصبر علی الشدة و البلاء» و «فضائل شهر رمضان» (غُرر دُرر، برگ ۹۵ و ۱۲۰ پ) بکار گرفته است. گاه نیز در برخی عناوین بابها کاهش صورت گرفته مانند: «عذاب القبر و شدته» و «صفة الجنة و اهلها» (تنبيه الغافلین، سمرقندی: صص ۱۶ و ۲۷) که شده‌اند «عذاب القبر» و «صفة الجنة» (غُرر دُرر، برگ ۳۰ پ و ۴۵ ر) یا افزایش دیده میشود مانند: «التوبة» و «حفظ اللسان» (تنبيه الغافلین، سمرقندی: صص ۴۶ و ۱۰۰) که بصورت «التوبة و الندامة» و «حفظ اللسان و قلة الكلام» (غُرر دُرر، برگ ۹۵ و ۱۲۰ پ) آمده‌اند.

با توجه به ویژگیهای محتوایی «غُرر درر»، میتوان آن را کتابی در اخلاق دانست که به سبک «تنبيه الغافلین» ابواللیث سمرقندی و البته با محتوایی نسبتاً متفاوت و با ذوق و سلیقه‌ای دیگر تدوین شده است.

نسخه پایه این پژوهش

نگارندگان با بررسی فهرست نسخه‌های خطی و عکسی کتابخانه‌های ایران و نیز دیگر کشورها، هشت نسخه خطی از کتاب «غُرر درر»، شناسایی کردند که عبارتند از نسخه‌های کتابخانه‌های: مجلس، کاظمینی یزد، موزه ایران باستان، آیت‌الله مرعشی نجفی، آیت‌الله گلپایگانی (فهرستگان نسخه‌های خطی ایران، درایتی، ج ۲۳: صص ۳۹۰ و ۳۹۱ و ج ۲: صص ۱۰۳ و ج ۲۲: صص ۵۴۴ - ۵۴۵)، دکتر ذاکر حسین (فهرست میکروفیلم نسخه‌های خطی فارسی و عربی کتابخانه دکتر ذاکر حسین، مرکز میکروفیلم نور: صص ۳۴)، احمدیة حلب سوریه (<http://alassad-library.gov.sy/index.php>)، قادریة بغداد (الآثار الخطیة فی المكتبة القادریة، رؤوف، ج ۵: صص ۷).

نگارندگان پس از بدست آوردن تصاویر شش نسخه از نسخه‌های موجود، به بررسی آنها پرداختند و با توجه به ویژگیهای خاص نسخه کتابخانه مجلس (کامل بودن، کم‌غلط بودن و قرار داشتن آن در شمار دو نسخه اقدم) آن را بعنوان اصح نسخ برگزیدند و پژوهش پیش رو را بر اساس این نسخه انجام دادند.

بررسی ویژگیهای سبکی کتاب

برای آنکه بتوانیم متنی را بلحاظ سبک‌شناسی، تجزیه و تحلیل و بررسی کنیم، باید روشی داشته باشیم. یکی از ساده‌ترین و درعینحال، عملیترین روشها این است که متن را از سه دیدگاه زبان، ادبیات و اندیشه، مورد دقت

قرار دهیم تا بتوانیم به اجزای متشکله متن، اشراف پیدا کنیم و ساختار متن را با توجه به رابطه اجزا با یکدیگر دریابیم (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۱۳).

سطح زبانی

ویژگیهای صرفی

کاربرد واژه‌های نادر و کهنه: یکی از ویژگیهای سبکی این دوره، بکار گرفتن لغات فارسی کهن (اعم از اسم و فعل) است که مربوط به زمان مؤلف و پیشک مورد استفاده مردم آن روزگار بوده است (سبک‌شناسی، بهار، ج ۲: ص ۵۸). این واژه‌ها و اصطلاحات، فراوان در نثر و نظم گذشتگان بکار میرفته است؛ اما رفته‌رفته بیشتر آنها منسوخ شده و از میان رفته‌اند (سبک‌شناسی، بهار، ج ۱: ص ۴۳۴). در کلام حسینی سمرقندی نیز فراوان از اینگونه واژه‌ها یافت میشود که به برخی از آنها اشاره میکنیم:

فرمان یافتن = مُردن (غرر درر، برگ ۳۲)؛ گوراشکاف = قبرگن (غرر درر، برگ ۵۶)؛ اُسْتَرَه = تیغ سر و صورت‌تراشی (غرر درر، برگ ۸۲)؛ بیمارپُرس = عیادت‌کننده بیمار (غرر درر، برگ ۱۷۴)؛ آبخانه = وضوخانه؛ مستراح (غرر درر، برگ ۲۱۲ - ۲۱۳)؛ تیرست = سبید (غرر درر، برگ ۲۱۸ - ۲۱۸پ)؛ گریوه = تپه (غرر درر، برگ ۸)؛ گونا = رنگ چهره (غرر درر، برگ ۱۵۰ - ۱۵۱)؛ ترسکاری = خداترسی (غرر درر، برگ ۹۰)؛ اَبَرِنَجَن = دستبند (غرر درر، برگ ۱۲۲)؛ کوچکان = کودکان (غرر درر، برگ ۱۳۶)؛ شَبانه = چوپان (غرر درر، برگ ۲۰۳)؛ ریزیدن = پوسیدن؛ ریزیز شدن (غرر درر، برگ ۸).

تلفظ قدیمی برخی واژه‌ها: در این دوره هنوز چگونگی تلفظ واکهای هر کلمه، صورت ثابت و واحدی ندارد (تاریخ زبان فارسی، ناتل خانلری، ج ۲: ص ۱۰۸). بدین ترتیب هر نویسنده، لغت را با تلفظ خود بکار میبرد. بعد از درسی شدن فارسی، اندک‌اندک برخی از تلفظها تثبیت میشود (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۶۷). در کتاب «غرر درر» نیز شاهد نمونه‌های فراوان از این دگرگونی در واژه‌ها از طریق ابدال، ادغام، اشباع و حذف هستیم:

دوانزده = دوازده (غرر درر، برگ ۸۶)؛ سرشیب = سراشیب (غرر درر، برگ ۳۵)؛ کُفته = کوفته (غرر درر، برگ ۱۱۲)؛ بَلگ = برگ (غرر درر، برگ ۱۱۶)؛ نانبا = نانوا (غرر درر، برگ ۱۸۵)؛ بطرقید = بترکید (غرر درر، برگ ۱۴۳)؛ کُنجد = کنجد (غرر درر، برگ ۲۰۹)؛ اَبَدان = آبادان (غرر درر، برگ ۳۳)؛ دوستر = دوستتر (غرر درر، برگ ۱۳۲)؛ اَزَر = آزار (غرر درر، برگ ۴۱).

کاربرد واژه‌ها در معنای اصلی: برخی واژه‌ها در قرنهای نخستین، از معانی خاصی برخوردار بوده‌اند؛ اما در قرن پنجم و ششم هجری، رفته‌رفته متمایل به معانی دیگر شدند تا جایی که حتی در قرن هفتم و هشتم بکلی معنای اصلی خود را از دست داده‌اند (سبک‌شناسی، بهار، ج ۱: صص ۴۲۴ - ۴۲۵)؛ نیز ن.ک: کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۹۲). برخی واژه‌ها هم که دارای چند معنی متفاوتند، با گذشت زمان، بدلیل کثرت استفاده از یکی از آن معانی، معانی دیگر به کنار میروند و حتی به ذهن هم متبادر نمیشوند. برخی از این واژه‌ها که در کتاب «غرر درر» نیز بکار رفته‌اند عبارتند از:

شوخی = چرکی (غرر درر، برگ ۱۰۶)؛ طپانچه = سیلی (غرر درر، برگ ۱۳۵)؛ گستاخی = دلیری و جسوری (غرر درر، برگ ۲۰۷ - ۲۰۷پ)؛ جنازه = تابوت (غرر درر، برگ ۲۶)؛ فضله = اضافی (غرر درر، برگ ۱۲۷)؛ احتمال = بردباری (غرر درر، برگ ۸۸)؛ هیبت = ترس (غرر درر، برگ ۵۸)؛ حوصله = چینهدان (غرر درر، برگ

(۱۷۱پ).

کاربرد لغات پهلوی: در قرون نخستین (و حتی تا قرن پنجم و ششم) هنوز زبان پهلوی در بین مردم، کم و بیش رایج بود. برخی از شاعران صریحاً به پهلوی دانی خود اشاره کرده‌اند (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، ص ۳۵۱). لذا نویسندگان نیز در نوشتار خود از لغات پهلوی و نزدیک به پهلوی بهره می‌بردند. با جست و جو در متن نسخه، چندین واژه پهلوی استخراج شد که برخی از آنها عبارتند از:

اَشْتَر = شتر (غرر درر، برگ ۱۱۶)؛ دَشخوار = دشوار (غرر درر، برگ ۸۹)؛ اَوام = وام (غرر درر، برگ ۶۹)؛ اِشْتاب = شتاب (غرر درر، برگ ۲۱۳)؛ اِستور = ستور؛ چارپا (غرر درر، برگ ۱۱۶)پ.

ساخت واژه ترکیبی از لغات عربی و فارسی: یکی از ویژگیهای نشر «غرر درر»، بکار بردن و ساخت واژه‌های ترکیبی فارسی و عربی از سوی نویسنده است که برخی از آنها در متنهای دیگر بویژه متون پیش از آن دوره، بکار نرفته یا کمتر استفاده شده‌اند، مانند:

صنم‌پرست (غرر درر، برگ ۷۴)؛ مَلّاحبان (غرر درر، برگ ۲۰۹)؛ کَسب‌گَن (غرر درر، برگ ۱۲)؛ خمرخواره (غرر درر، برگ ۷۱)پ.

کاربرد اعداد ترتیبی: از دیگر اختصاصات قدیم، آن است که غالباً در شماره چیزها که از یک تجاوز میکنند، به جای دوم و سوم، دودیدگر و سه‌دیدگر یا دیم و سیم مینوشتند و در املاهای آن هم تصرف کرده، ددیدگر بدون واو و سدیدگر بدون ها می‌آوردند (سبک‌شناسی، بهار، ج ۱: ص ۴۰۴) که البته دلیلش این است که مثلاً واژه دُدیدگر (به معنی دوم) در پهلوی هم dudigar بوده است (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۸۵؛ نیز ن.ک: سبک‌شناسی نشر پارسی، غلامرضایی: ص ۴۰). شیوه حسینی سمرقندی در کل متن، کاربرد اعداد ترتیبی بصورت «دویم» و «سیم» بوده است (غرر درر، برگ ۱۱۳)؛ البته گاه از این روش عدول کرده و از واژه دودیدگر و سه‌دیدگر هم سود برده است (غرر درر، برگ ۱۳۳)پ.

کاربرد لغات عربی: یکی دیگر از مختصات زبانی فارسی کهن، استعمال برخی از کلمات عربی به جای واژه‌های فارسی معمول است (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، ص ۲۸۶). با جست و جو در متن نسخه، ۱۷۴ واژه با این ویژگی شناسایی شد که به برخی از آنها اشاره میشود:

حرب = جنگ (غرر درر، برگ ۱۱۳)؛ لُونالون = رنگارنگ (غرر درر، برگ ۴۳)؛ وَصیف = غلام و وَصیفه = کنیز (غرر درر، برگ ۴۸)؛ نَباش = نبش‌کننده قبر (غرر درر، برگ ۵۶)؛ اَساود = مارهای سیاه (غرر درر، برگ ۷۱)؛ عقارب = عقربها (غرر درر، برگ ۷۱)؛ طَرّاق = صدای کوفتن (غرر درر، برگ ۱۰۳)؛ مُجَوّف = میان‌تهی (غرر درر، برگ ۱۲۲)؛ اَبداالن = مردان شریف (غرر درر، برگ ۱۳۶)؛ مَنشور = فرمان پادشاهی (غرر درر، برگ ۱۵۱)؛ کَناس = تخلیه‌کننده چاه (غرر درر، برگ ۱۵۸)؛ مطموره = محفظه زندان مانند پنهان از دید دیگران (غرر درر، برگ ۲۶)؛ خَباره = چالاک (غرر درر، برگ ۱۲۹)پ.

ویژگیهای نحوی

ساخت مصدر عربی با یاء مصدری فارسی: ساختن مصدر با یاء مصدری فارسی از کلمات عربی، یکی از ویژگیهای سبکی آن دوره بوده است، مانند امامی (بجای امامت)، بخیلی (بجای بخل) و موافقی (بجای موافقت) (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۸۸).

«اگر هزار سال به روزه باشی چون بمیری بخیل مرده باشی و در آتش دوزخ باشی. ندانی که بخیلی از کفر

است؟!» (غرر درر، برگ ۱۲۹ر).

ترکیب حروف اضافه و ضمائر: از آنجاکه نویسندگان متون و کاتبان نسخ - که از شهرها و مناطق گوناگون برمیخاسته‌اند - عناصر گویش خود را در نوشته‌ها بکار میبردند، این متون بازتاب ویژگیهای گویشی در متون دوره‌های مختلف فراوان است (سبک‌شناسی نثر پارسی، غلامرضایی: ص ۵۳). «غرر درر» نیز از این قاعده مستثنا نبوده و بنظر میرسد ترکیب این گونه حروف اضافه و ضمائر، مربوط به تلفظ و گویش خراسانی است.

«گذر کردم، بیشه‌ای دیدم و جزیره‌هایی دریش» (غرر درر، برگ ۷پ).

«آن گاو را بکشتند و گوشت وی بخوردند و انبانی ازیش پر کردند» (غرر درر، برگ ۵ر).

«ای بیچاره‌گان! این نه آن دنیا است که بریش فخر میکردند» (غرر درر، برگ ۵پ).

«زن در وی نگاه کرد وی را بر آن حال گفت: چیت رسید؟» (غرر درر، برگ ۵۸ر).

جمع بستن دوباره جمعهای مکسر

«هر که از غزا بیرون آید به طلب علم برود، ملائکتان وی را بر سر خویش گیرند» (غرر درر، برگ ۱۲ر).

«چون در مسجد رفتیم، مردی را دیدم از اصحابان من که مرا طلب میکرد» (غرر درر، برگ ۲۱پ - ۲۲ر).

شروع عبارات با «واو»: جمله‌های فراوانی میتوان یافت که با حرف «واو» شروع شده است و این همانند واو استیناف در زبان عربی است (سبک‌شناسی نثر پارسی، غلامرضایی: ص ۷۰).

«و نیز انس بن مالک روایت کند که رسول (ص) گفت» (غرر درر، برگ ۱۱ر).

«و چنین آورده‌اند که: اهل دوزخ هزار سال میگیرند و مینالند» (غرر درر، برگ ۴۰پ).

کاربرد «ی» استمراری در آخر افعال: گاهی یاء مجهول برای بیان استمرار فعل است و با آمدن آن، غالباً از آوردن «همی» خودداری میشده است (سبک‌شناسی، بهار، ج ۱: ص ۳۴۷).

«چون وقت میوه چیدن بودی، در شهر بانگ کردندی درویشان را به باغ بردندی و زکات ازیش بیرون آوردندی و به درویشان قسمت کردندی» (غرر درر، برگ ۱۲۷پ - ۱۲۸ر).

کاربرد افعال مقاربه: بکار بردن افعال مقاربه از قبیل خواست کرد، خواست شد و خواست بود (بمعنای: میخواست بکند، میخواست بشود و میخواست باشد) منسوخ شده و امروز صیغه‌های مضارع این افعال بجای صیغه‌های مستقبل افعال بکار میرود (سبک‌شناسی، بهار، ج ۱: ص ۳۶۲ - ۳۶۳).

«روزی ملک‌الموت پیش داود پیغمبر (ع) نشست بود. برنایی نیکوروی درآمد و آن شب داماد خواست بودن» (غرر درر، برگ ۱۲۹پ).

کاربرد «ی» شرط بعد از ادات شرط: یاء شرطی در جمله‌ای درآید که با حرف شرط «اگر»، «ار»، «ور» و «چون» آغاز شده باشد (سبک‌شناسی، بهار، ج ۱: ص ۳۴۸ - ۳۴۹؛ سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ص ۳۸).

«اگر نه آن بودی که عبدالملک بن مروان در باب تو نامه نوشت، من تو را چنین و چنین کردم» (غرر درر، برگ ۱۶۹ر).

مطابقت صفت و موصوف

«بر من و بر این بیچارگان خاکساران رحمت کنی به کرم و بزرگواری خودت» (غرر درر، برگ ۱۷۵پ).

«زن مؤمنان در ایشان نگاه کنند نور و بها و جمال که برایشان بود به تعجب بمانند» (غرر درر، برگ ۴۶پ).

کاربرد قیدهای تأکید وصفی: قیود تأکید وصفی که امروز: بسیار و خیلی و فراوان گویند، در کتب قدیم عبارت بوده است از: صعب، سخت، عظیم، قوی و بزرگ، مخصوصاً صعب و سخت (سبک‌شناسی، بهار، ج ۱: ص ۴۲۹؛ کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۸۶ و ۳۱۷؛ سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ص ۳۸).

«یا رسول‌الله! این مرد اولین، نماز کرد سخت نیکو و این دیگر، نماز کرد سخت باطل و پر خلل» (غررِ درر، برگ ۲۱پ).

کاربرد «نه» در نقش قید نفی: یعنی «نه» ای که فعل را منفی میکند، مانند: نه چنین است، بجای چنین نیست (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۳۱۸؛ سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ص ۳۸؛ سبک‌شناسی نثر پارسی، غلامرضایی: ص ۴۱).

«الهی! این نامه، نه نامه من است؛ بلکه آن کسی دیگر است» (غررِ درر، برگ ۷۹پ).

اشتقاق از بن مضارع به جای ماضی: در گذشته، فعل ماضی، مصدر و اسم مفعول را از روی بن مضارع میساختند نه از بن ماضی که امروزه مرسوم است، مثلاً گدازید، گدازیدن و گدازیده که بجای گذاختن، گذاخت و گذاخته بکار میرفته است (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۳۳۰ - ۳۳۱).

«عابد چون در وی نگرید، وی را بازشناخت و آن گناه که میان ایشان خواست رفتن یاد آورد» (غررِ درر، برگ ۵۸پ).

«رسول (ص) شاخی از آن درخت بگرفت و پس بجنبناید، جمله برگهای از آن درخت فروریزید» (غررِ درر، برگ ۱۰۵پ).

مصادر مرکب به جای مصادر قیاسی: از واژه‌هایی چون جنگ، فهم، رقص، و بلع ساخت مصادر قیاسی (جنگیدن، فهمیدن، رقصیدن و بلعیدن) معمول نبود؛ بلکه غالباً جنگ کردن، فهم کردن، رقص کردن و بلع کردن گفته میشد (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۳۳۳؛ سبک‌شناسی، بهار، ج ۲: ص ۳۱۵ - ۳۱۶).

«این صوفی بیرون رفت که با وی جنگ کند، آن رومی نقاب از روی برانداخت، صوفی در وی نگاه کرد رفیق خود را دید» (غررِ درر، برگ ۱۴۸پ).

«بن عباس گفت: بر این هفت جسر بنده را حساب کنند و پرس کنند، بر اولین از ایمانش پرس کنند» (غررِ درر، برگ ۳۵ر).

سطح ادبی

صنایع بدیعی لفظی: با توجه به اینکه «غررِ درر» دارای نثری مرسل است، از صنایع لفظی فراوانی سود نجسته و نویسنده به حداقلها بسنده کرده است. یکی از ویژگی‌های سبکی نثر این دوره، عدم توجه نویسندگان به سجع و موازنه است و جز در خطبه‌های کتاب، بندرت به این صنایع برمخوریم (سبک‌شناسی، بهار، ج ۲: ص ۵۵؛ فن نثر در ادب پارسی، خطیبی: ص ۱۲۸). اندک بودن سجع در نثرهای این دوره، این گمان را ایجاد میکند که بعضی از سجعهای موجود در متنها تصادفی است نه بعمد! (سبک‌شناسی نثر پارسی، غلامرضایی: ص ۷۱).

حسینی سمرقندی نیز در کل کتاب، چند مورد جناس و سجع بیشتر بکار نبرده است.

در متنهای پهلوی، تکرار افعال متشابه در چند جمله متوالی، عیب نبوده است. این رسم در دوره سامانیان تا قرن ششم نیز برقرار بوده و افعال شبیه هم در آخر هر جمله کوچک یا بزرگ، عیناً تکرار میشده است (سبک‌شناسی، بهار، ج ۱: ص ۳۵۵). به خلاف ادوار بعد که تکرار را نوعی از عجز نویسنده می‌شمردند و تا ممکن بود یک لغت یا

یک معنی را عیناً در جمله‌ها تکرار نمی‌کردند (سبک‌شناسی، بهار، ج ۲: ص ۵۵؛ نیز ن.ک: کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۳۴۸؛ سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ص ۳۹). در «غرر درر» نیز تکرار فعل و نشانهٔ مفعول فراوان دیده می‌شود و بندرت شاهد حذف فعل در جمله هستیم.

صنایع بدیعی معنوی

تضاد

«تواضع نیکوست لیکن از توانگران نیکوتر و تکبر زشت است لیکن از درویشان زشتتر» (غرر درر، برگ ۸۵ر).

مراعات النظیر

«علم بیاموزید که حسنات است و طلب کردنش عبادت است و گفتنش تسبیح است و جستش جهاد است و بذل کردن با اهلش قربت است؛ زیرا که علم بهشت است و مونس است در وحشت، و صاحب است در غربت و محدث است در خلوت، و دلیل است بر شادی و معین است در غم و اندوه، و عزّ دین است پیش مهتران و صلاح دین است بر دشمنان» (غرر درر، برگ ۱۹ر).

تلمیح

«هر که نگاهداری نماز نکند، روز قیامت او را نجات نبود ... و روز قیامت با فرعون و هامان و قارون و ابی بن خلف بود» (غرر درر، برگ ۱۰۶پ).

«هر آنکه یک مسئله از علم بیاموزد، بهتر است او را از آنکه کوه بوقبیس زر باشد وی را و به صدقه به درویشان دهد در راه غزا» (غرر درر، برگ ۱۱ر).

کاربرد اندک اشعار: درج و تضمین اشعار برای آرایش و زینت کلام، چنانکه در سبک نثر فنی دورهٔ بعد دیده می‌شود در آثار این دوره وجود نداشت، جز در مواردی معدود که در بیان معنی بدان نیاز بوده است (فن نثر در ادب پارسی، خطیبی: ص ۱۲۷). حسینی سمرقندی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و در کل کتاب، تنها پنج بیت شعر عربی آورده که آنها هم از سروده‌های دیگر شاعران است (غرر درر، برگ ۲۹پ و ۱۹۱پ).

ارسال المثل

«رویش همچون ماه شب چهارده باشد» (غرر درر، برگ ۱۰۸ر).

«مَثَل جاهل همچون مَثَل نابیناست در شب تاریک که راه نداند» (غرر درر، برگ ۱۴پ).

«اثر حسود بر حسود، زودتر از آن پیدا شود که بر دشمنش» (غرر درر، برگ ۸۳پ).

استشهاد به آیات و احادیث

ابوالبرکات، فراوان به آیات و احادیث استشهاد کرده و بصورت‌های گوناگون، آنها را بکاربرده است:

یک. بیشتر احادیث و آیات بکاررفته در کتاب، بصورت نقل کامل آمده‌اند، مانند آیات و احادیث ابتدای بابها:

«باب الثامن والسبعون: فی المتحابین فی الله - عزوجل - . قال الله تبارک و تعالی: أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» ... ابوذر روایت کند که رسول (ص) فرمود: "شما دانید که کدام کردار فاضلتر است؟" ابوذر گفت: گفتم نماز در وقت و غزا کردن در راه خدای - عزوجل - رسول (ص) فرمود: "دوستی برای خدا و دشمنی برای خدای، فاضلترین عملهاست" (غرر درر، برگ ۱۸۷ر).

دو. گاه آیات و احادیث، بعنوان جزئی از جملهٔ اصلی ذکر میشوند و حذف آنها از جمله ممکن نیست:

«از رسول خدا پرسیدم از این آیه که: حق تعالی میگوید: "یوم تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ أَنْسَاءً/۴۰؛ یعنی چون این زمین را خدای تعالی بر زمین دیگر تبدیل کند"، خلقان کجا باشند؟ گفت: بر صراط باشند» (غررِ درر، برگ ۳۵).

سه. برخی آیات و احادیث نیز برای توضیح بیشتر مفهوم عبارت و تکمیل بحث، بیان شده‌اند: «چون نگاه کنند، مارها بر ایشان ببارد همچون اشترها هر وقت که یکی را بگزند، هزار سال دردش میکند و هر روزی عذابشان زیادتتر بود، چنانکه خدای تعالی میفرماید: زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ» [نحل / ۸۸] (غررِ درر، برگ ۴۱).

کاربرد فنون معانی - بیان: در نثرهای این دوره، عناصر خیال، کم بکار رفته است. آنچه هست معمولاً ساده است و بصورت تشبیه‌های گسترده و گاه‌گاه بصورت اضافه تشبیهی. همچنین کنایه‌ها و مجازهایی ساده و اغلب از آن نوع که در زبان محاوره بکار میرود (سبک‌شناسی نثر پارسی، غلامرضایی: صص ۷۲ - ۷۳). علم معانی - بیان در «غررِ درر» حسینی سمرقندی نیز کاربرد ناچیزی دارد. لذا بدلیل بسامد اندک، از پرداختن به آن صرف نظر میکنیم.

سطح فکری

اعتقادات مذهبی: در منابع تاریخی، دربارهٔ مذهب و اعتقادات حسینی سمرقندی نیز سخنی بمیان نیامده است؛ اما از طریق اطلاعات درون‌متنی کتاب میتوان تا حدودی به آن دست یافت. با توجه به حکایاتی که از خلفای اهل سنت آورده و تعبیری که درخصوص آنها بکار برده، باید وی را سنی‌مذهب دانست. مؤلف در همان آغاز کتاب، بر خلفا از ابوبکر تا امیر مؤمنان علی (ع) درود میفرستد (غررِ درر، برگ ۱پ). در جای‌جای کتاب نیز احادیث پیامبر (ص) را از خلفا نقل میکند (غررِ درر، برگ ۱۶، ۲۱پ، ۳۰پ، ۴۸ و...). همچنین از تابعیان و اتباع تابعیانی که بر مذهب اهل سنت بوده‌اند، فراوان حدیث آورده است (مانند: کعب الأحبار: غررِ درر، برگ ۶۸؛ مکحول شامی: برگ ۱۳۲پ؛ ضحاک بن مزاحم: برگ ۶۷پ و...).

ابوالبرکات با اینکه از اهل سنت بوده، ولی همچون دیگر اهل تصوف، ارادت خاصی به اهل بیت - علیهم السلام - داشته و در همان دیباجة کتاب، علاقه‌مندی خود را به این خاندان نشان داده و با تعبیر «الإمامین الشهیدین الحسن و الحسین» بر آنها درود میفرستد (غررِ درر، برگ ۱پ). همچنین با آوردن عبارت «صلوت بر ... محمد مصطفی (ص) ... باد و بر اهل بیت و فرزندان وی؛ همه، سادات ملت و اهل شریعت و همه، پاکان و پاکیزگان چون قطره باران - رضوان الله تعالی علیهم اجمعین» (غررِ درر، برگ ۲ر)، به گونه‌ای به آیه تطهیر (احزاب/ ۳۳) و معصومیت این بزرگان اشاره میکند. حسینی سمرقندی در لابلاي کتاب نیز از امامان: علی، حسن، حسین، زین‌العابدین، محمدباقر، جعفر صادق و علی بن موسی علیهم السلام، احادیث و حکایاتی نقل میکند (غررِ درر، برگ ۷۴، ۲۱۴، ۲۲۰پ و...).

گرایشهای صوفیانه: حسینی سمرقندی، ارادت خاصی به اولیای طریقت داشته تا جایی که معتقد است: «کرامت اولیا حق است و ایمان بدیشان واجب و نص قرآن بدان ناطق است، قوله تعالی: أُنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ [نمل/ ۴۰]» (غررِ درر، برگ ۲۰۳پ).

مؤلف با آوردن حکایات زیبا و حکمت‌های پندآموز از بزرگان صوفیه چون ابراهیم ادهم، یحیی بن معاذ رازی، فضیل بن عیاض، رابعه بصری، بایزید بسطامی، سهل بن عبدالله تستری، ابوبکر واسطی، ابوبکر شبلی، سفیان ثوری،

شقیق بلخی، ذوالنون مصری، ابوعمر و اصطخری، ابونصر سراج، بُنان حَمال، ابوبکر وراق، سَری سَقَطی، معروف کرخی، بشر حافی، ابوالقاسم قشیری، جعفر خُلدی، ابوعلی دقاق، ابوعبدالله هروری، جنید بغدادی، ابوعثمان مغربی، علی بن سهل اصفهانی، مالک بن دینار، محمد بن علی کتانی، ابوعبدالله بن خفیف شیرازی، یوسف بن اسباط، و ابوحزمه خراسانی، تعلق خاطر خود را به مسلک تصوّف به روشنی نمایان ساخته است.

با توجه به اینکه حسینی سمرقندی، در جای جای کتاب، از اصطلاحات عرفانی سود جسته است، میتوان وی را محدث و فقیه صوفی مسلک دانست. برخی از این اصطلاحات و عبارات بکاررفته را مرور میکنیم: «ذوالنون مصری را پرسیدند از حال ابدالان گفت: نقبا سه‌اند و نجبا هفتند و ابدالان چهلند و خیاران هفتادند و رکن چهارند و غوث یکی است یعنی قطب. مقام نقبا مغرب است و مقام نجبا مصر است. مقام ابدالان شام و عراق است. خیاران در عالم میگردند از چپ و راست و رکن در گوشه‌های دنیاست و مقام قطب، مگه است» (غرر درر، برگ ۲۰۴ر - ۲۰۴پ).

«ابراهیم شیبانی گوید: هر آن دلی که خوف در وی مقام کرد، جایگاه شهوتها از آن دل بسوزد و رغبت دنیا از دل بیرون کند» (غرر درر، برگ ۱۴۷پ).

«جماعتی صوفیان پیش ممشاد دینوری نشستند بودند. درویشی فراز رسید و سلام کرد گفت: این‌جا جای آن هست که بدیش بتوان مُردن؟» (غرر درر، برگ ۲۹پ).

صوفیان در توجه و تأکید به شریعت (به معنای خاص) و میزان اعتنا به ظاهر و باطن، متفاوتند. برخی از آنها بیشتر به شریعت متمایل هستند، عده‌ای بر حقیقت تأکید میکنند و گروهی نیز به جمع این دو، گرایش دارند. (طبقات الصوفیه، مناوی، ج ۳: ص ۴۳۶). با توجه به شواهد موجود در کتاب، میتوان ابوالبرکات را از گروه سوم دانست و وی را «صوفی متشرع» خواند.

«ابوبکر دقاق گوید که: در بیابان با بنی اسرائیل میرفتم در خاطر من بگذشت که علم حقیقت، به خلاف شریعت است. هاتفی آواز داد: هر حقیقتی که ناتباع شریعت بود، آن کفر بود» (غرر درر، برگ ۲۰۵پ).

«هرچه از پیش مستی خیزد، حرام است بعضی از مطبوخ و غیر مطبوخ از هرچه کرده باشد از خرما و میوز و از خردل و از گندم و جو و مانند این، جمله حرام است» (غرر درر، برگ ۷۲پ).

اعتقادات کلامی: از نظر باورهای کلامی میتوان سمرقندی را از پیروان ابومنصور ماتریدی (م ۳۳۳ ق) و فرقه «ماتریدی» - که پایگاه تاریخی آنها سمرقند است - دانست. شواهد برخی از اعتقادات کلامی ماتریدی بیان شده در کتاب، چون: ممکن بودن رؤیت خداوند در جهان آخرت، تأکید فراوان بر توبه و بخشیده شدن تمام گناهان کبیره (مانند زنا و قتل) بواسطه آن، به شرح زیر است:

«این حجابها که بردارند از چشمهای بندگان بردارند که از نظر محجوبند؛ که خدا را هیچ چیز محجوب نکند. ایمان به دیدار واجب است که مؤمنان روز قیامت، خدای تعالی بیچون و چگونه ببینند، دلیل بر این، قوله تعالی: وَجُوهٌ یَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ [قیامه/ ۲۲ و ۲۳]» (غرر درر، برگ ۴۶پ).

«واجب است بر همه مسلمانان که توبه کنند از زنا؛ زیرا که گناهی عظیم است ... پس چون حال چنین بود باید که توبه کند که پادشاه عالم میگوید: وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ [شورا/ ۲۵]» (غرر درر، برگ ۱۴۱پ).

«باید که هر کسی که خدای تعالی او را عقلی داده بود به زودی توبه کند و به درگاه حق تعالی بازگردد که توبه کردن، از جمله واجبات است که حق تعالی میگوید: وَ تَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ [نور/ ۳۱]» (غرر درر، برگ ۵۷ر - ۵۷پ).

شایسته یادآوری است که ظاهراً ابوالبرکات برخی از این عبارات عقیدتی را بدون هیچ تغییر و تصرّفی، از کتاب «تنبیه الغافلین» نوشته ابواللیث سمرقندی (از بزرگان فرقه ماتریدیه) اخذ کرده است. بدین ترتیب، دیدگاه پیشگفته درباره ماتریدی بودن وی تقویت میشود.

دنیاگریزی و بدبینی به دنیا: پرهیز از دنیا آنقدر برای ابوالبرکات اهمیت دارد که عنوان باب اول کتاب خود را «فی ذمّ الدنيا» قرار میدهد و با آوردن احادیث فراوانی از پیامبر (ص) و سخنان بزرگان دین و طریقت، این دیدگاه خود را تقویت میکند:

«رسول - صلی الله علیه و سلم - گفت: «چيست مرا از دنیا یا دنیا را از من؟! مَثَل من و مَثَل دنیا همچنان است که سواری به روز تابستان گرم راه کند، آنگاه به سایه درختی فرود آید تا ساعتی برآساید. پس رحیل کند و سایه را بگذارد به جا» (غرر درر، برگ ۴).

وی به نقل از ابراهیم ادهم، دنیای دون را بصورت پیرزنی زشت توصیف میکند که «سرش از کبر است و رویش از شادی است و چشمهایش از شهوت است و زبانش از عذر است و گوشهایش از نسیان است، تنش از غرور است، دلش از طمع است، شکمش از حرص است و پایهایش از حسد است، گردنش از اندوه است، ناخنش از نومیدی است. این وصف و مدح و زینت این دنیای شماس است که به وی غره‌ها شده‌اید و از بهر وی جنگ میکنید. هان! تا مغرور نشوید که این دنیایی غدار است. هیچ کس دل در وی نیست آلا که هلاک شد» (غرر درر، برگ ۴).

مرگ‌اندیشی و یادکرد مرگ: یکی دیگر از موضوعات مورد علاقه حسینی سمرقندی، بحث مرگ و یادکرد آن و چگونگی مواجهه با آن است. وی در قالب دو باب «فی ذکر الموت و شدته» و «فی ذکر موت الصالحین» این مسئله را مطرح میکند. ابوالبرکات معتقد است «فاضلترین زهد در دنیا مرگ یاد کردن است و فاضلترین تفکری، تفکر مرگ است. هر که پیوسته مرگ را در یاد دارد، گور وی روضه‌ای باشد از روضه‌های بهشت» (غرر درر، برگ ۲۵).

همچنین معتقد است سالک، باید در زمان مرگ، شادان به استقبال مرگ برود: «مکحول شامی همیشه اندوهگین بودی و کس وی را خندان ندیدی. چون وقت مرگش بود، وی را دیدند که میخندید. گفتند: ما ندیدیم که بخندی؛ اکنون به چه میخندی؟ گفت: چرا نخندم که از آنکه میترسیدم جدا خواهم شدن، یعنی از دنیا و به آنچه امید دارم بدیش خواهم رسیدن» (غرر درر، برگ ۲۹).

نتیجه‌گیری

هدف این نوشتار، شناساندن یکی از نویسندگان ناشناخته قرن پنجم هجری، یعنی محمد بن احمد حسینی سمرقندی و بررسی ویژگی‌های سبکی کتابش (غرر درر) بود. نکاتی که بر اساس مرور یافته‌های این پژوهش بدست آمد، عبارتند از:

۱. اهمیت «غُرِّ دُرِّ» ابوالبرکات حسینی سمرقندی بجهت اعتبار ادبی، تاریخی و زبان‌شناسی آن، غیر قابل انکار است؛ کتابی اخلاقی - روایی (اخلاق نقلی) که اکنون با گذشت قرن‌ها از نگارش آن، مورد توجه و تصحیح قرار گرفته است.

۲. با بررسی ویژگی‌های سبکی کتاب، روشن شد نویسنده در نگارش کتاب، پایش را از زبان معیار آن دوره، فراتر نگذاشته است. ما با یک متن ساده و مرسل قرن پنجم - ششمی روبرو هستیم، به دور از صنایع و قیود لفظی خاص و رها از هرگونه تصنع و تکلفی.

۳. از نظر اعتقادی و کلامی میتوان حسینی سمرقندی را «صوفی متشرع سنی مذهب ماتریدی» دانست که ارادت خاصی نیز به اهل بیت پیامبر - علیهم السلام - داشته است.

۴. با جست‌وجو در کتب رجال، طبقات، انساب، تذکره و تاریخ ادبیات، هیچ رد و نشانی از ابوالبرکات حسینی سمرقندی و کتابش «غرر درر» یافت نشد؛ اما از شواهد تاریخی موجود در کتاب از جمله ذکر مشایخ روایت مؤلف، میتوان حدس زد که تولد او نمیتواند پس از ۴۶۵ هجری اتفاق افتاده باشد.

۵. «غرر درر» از لحاظ ساختار و محتوا به سبک کتاب «تنبیه الغافلین» ابواللیث سمرقندی تدوین شده است.

۶. با بررسی سیزده استاد و شیخ روایت حسینی سمرقندی و نیز شخصیهایی که در کتاب از آنها یاد شده است (چون صوفیان و محدثان)، مشخص شد که همگی آنها دوران حیاتشان تا اوایل قرن ششم هجری بوده است. در نتیجه گمان میرود نویسنده کتاب را در اواخر قرن پنجم هجری یا حداکثر، اوایل قرن ششم نوشته است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی ساوه استخراج شده است. آقای دکتر رضا فهیمی راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای حسین پورشریف به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر منیژه فلاحی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، و هیئت داوران پایان نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Bahar, Mohammad Taqi. (2007). Stylistics or the history of the evolution of Persian prose, Tehran: Amirkabir.
- Daneshpazhu, Mohammad Taqi. (1962). List of Manuscripts of the Museum of Ancient Iran, Tehran: University of Tehran.

- Daneshpazhu, Mohammad Taqi. Afshar, Iraj. (1974). Journal of Manuscripts of the Central Library of the University of Tehran, Tehran: University of Tehran, p 528.
- Drayati, Mustafa. (2012). Indexes of Iranian Manuscripts (Fankha), Tehran: National Archives and Library of the Islamic Republic of Iran.
- Gholamreza'i. Mohammad. (2015). Stylistics of Persian prose from the fourth to the thirteenth century, Tehran: Samt.
- Hosseini Eshkevari, Seyed Ahmad. (1979). List of Manuscripts of the Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi (Volume 7). Under the supervision of: Seyyed Mahmoud Mar'ashi, Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library.
- Hosseini Eshkevari, Seyyed Ja'far. (2004). List of Manuscripts of Mirza Mohammad Kazemini Library (Yazd - Iran), Qom: Islamic Reserves Association.
- Hosseini Samarghandi, Mohammad Ibn Ahmad. (Date of writing: 1216 AH). Ghorar-e Dorar, Tehran: Library of the Islamic Consultative Assembly, Registration Number: 511516 (IR10-39993), [manuscript].
- Hosseini Samarghandi, Mohammad Ibn Ahmad. (Date of writing: 1246 AH). Ghorar va Dorar, Yazd: Mirza Mohammad Kazemini Library, Registration Number: 463, [manuscript].
- Hosseini Samarghandi, Mohammad Ibn Ahmad. (Date of writing: 1267 AH) Hadis-o-Akhbar, Qom: Ayatollah Mara'shi Najafi Library, Registration Number: 2598, [Manuscript].
- Khatibi, Hussein. (1987). The Art of Prose in Persian Literature (Volume 1), Tehran: Zavvar.
- List of microfilm Persian and Arabic manuscripts of Dr. Zaker Hussein Library, Islamic National Society of New Delhi. (2010). By Noor Microfilm Center (Iran - India), New Delhi: Noor Microfilm Center.
- Manawi, Mohammad Abdul Rauf. (2007). Class of Sufism. Research and correction by Mohammad Adib Al-Jader, Beirut: Dar Sader,
- Natal Khanlari, Parviz. (1978). History of Persian Language (Volume 2), Tehran: Iranian Culture Foundation, p 108.
- Nazari, Mahmoud. (2013). List of Manuscripts of the Library of the Islamic Consultative Assembly (Volume 42), Tehran: Library of the Islamic Consultative Assembly.
- Rahi, Fakhruddin, Ghorar-e Dorar, Delhi: Dr. Zaker Hussein Library, Registration Number: B210, [manuscript].
- Rauf, Abdul Salam. (1974). Calligraphic works in al-Qadiriya library in Sheikh Abdul Qadir al-Gilani's complex in Baghdad, Baghdad: Dar al-Arabiya for media.
- Riyazi, Mohammad Reza. (1995). List of microfilms and manuscripts of the National Museum of Iran, Tehran: Cultural Heritage Organization.
- Rudgar, Mohammad Javad. (2004). "A Passage on Islamic Moral Sources and Professions", *Book of Criticism*, No. 30, pp. 132-154.

- Sadraei Khoei, Ali. Hafizian, Abolfazl. (2009). List of Manuscripts of Ayatollah Golpayegani's Library, Tehran: Library of the Islamic Consultative Assembly; Mashhad: Al-Javad Cultural-Research Institute.
- Shamisa, Sirus. (2004). Generalities of Stylistics, Tehran: Mitra
- Shamisa, Sirus. (2004). Prose Stylistics, Tehran: Mitra.
- Siouti, Jalaluddin. (1415 AH). Tadrib al-Rawi, research by Abu Qutaybah Nazar Muhammad al-Faryabi, Riyadh: Al-Kawthar School, pp 413-460.
- Unknown author. (Date of writing: 987 AH). Book on the Science of Tazkereh and Preaching, Tehran: Museum of Ancient Iran, Registration Number: 3592, [Manuscript].
- Unknown author. (History of writing: 13th century AH, mysticism and ethics). Qom: Ayatollah Golpayegana Library, Registration Number: 2674-124 / 14, [manuscript].

فهرست منابع

- احادیث و اخبار، حسینی سمرقندی، محمدبن احمد. (تاریخ کتابت: ۱۲۶۷ق). قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، شماره ثبت: ۲۵۹۸، [نسخه خطی].
- الأثار الخطیة فی المكتبة القادرية فی جامع الشیخ عبدالقادر الگیلانی ببغداد، رؤوف، عبدالسلام. (۱۹۷۴). بغداد: دارالعربیة للموسوعات.
- تاریخ زبان فارسی، ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۵۷). جلد ۲، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، مایل هروی، نجیب. (۱۳۹۵). تهران: سوره مهر.
- تدریب الراوی، سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۱۵ق). تحقیق ابو قتیبه نظر محمد الفاریابی، ریاض: مکتبة الکوثر.
- سبک‌شناسی نثر پارسی از قرن چهارم تا قرن سیزدهم، غلامرضایی، محمد. (۱۳۹۴). تهران: سمت.
- سبک‌شناسی نثر، شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). تهران: میترا.
- سبک‌شناسی یا تاریخ تطوّر نثر فارسی، بهار، محمدتقی. (۱۳۸۶). تهران: امیرکبیر.
- طبقات‌الصوفیة، مناوی، محمد عبدالرؤوف. (۱۳۸۶). تحقیق و تصحیح محمد ادیب الجادر، بیروت: دار صادر.
- غرر درر، حسینی سمرقندی، محمدبن احمد. (تاریخ کتابت: ۱۲۱۶ق). تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت: ۵۱۱۵۱۶ (IR-۱۰۱۳۹۹۳)، [نسخه خطی].
- غرر درر، راهی، فخرالدین، دهلی: کتابخانه دکتر ذاکر حسین، شماره ثبت: B210، [نسخه خطی].
- غرر و درر، حسینی سمرقندی، محمدبن احمد. (تاریخ کتابت: ۱۲۴۶ق). یزد: کتابخانه میرزامحمد کاظمینی، شماره ثبت: ۴۶۳، [نسخه خطی].
- فن نثر در ادب پارسی، خطیبی، حسین. (۱۳۶۶). جلد ۱، تهران: زوآر.
- فهرست میکروفیلم نسخه‌های خطی فارسی و عربی کتابخانه دکتر ذاکر حسین، جامعه ملیه اسلامیة دهلی نو. (۱۳۸۹). به کوشش مرکز میکروفیلم نور (ایران - هند)، دهلی نو: مرکز میکروفیلم نور.
- فهرست میکروفیلمها و نسخ خطی موزة ملی ایران، ریاضی، محمدرضا. (۱۳۷۴). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی، صدراپی خوبی، علی. حافظیان، ابوالفضل. (۱۳۸۸). تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی؛ مشهد: مؤسسه فرهنگی - پژوهشی الجواد.

- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نظری، محمود. (۱۳۹۲). جلد ۴۲، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه میرزا محمد کاظمینی (بزد - ایران)، حسینی اشکوری، سید جعفر. (۱۳۸۳)، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیتالله مرعشی نجفی، حسینی اشکوری، سید احمد. (۱۳۵۸). جلد ۷، زیر نظر: سید محمود مرعشی، قم: کتابخانه آیتالله مرعشی نجفی.
- فهرست نسخه‌های خطی موزه ایران باستان، دانش پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۱) تهران: دانشگاه تهران.
- فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، درایتی، مصطفی. (۱۳۹۱). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس. (۱۳۸۸). تهران: میترا.
- کتاب در علم تذکره و موعظه، نویسنده نامعلوم. (تاریخ کتابت: ۹۸۷ق). تهران: موزه ایران باستان، شماره ثبت: ۳۵۹۲، [نسخه خطی].
- «گذری بر منابع و مسلک‌های اخلاقی اسلامی»، رودگر، محمدجواد. (۱۳۸۳). کتاب نقد، شماره ۳۰، صص ۱۳۲-۱۵۴. نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دانش پژوه، محمدتقی. افشار، ایرج. (۱۳۵۳). تهران: دانشگاه تهران.
- نویسنده نامعلوم. (تاریخ کتابت: قرن ۱۳ق عرفان و اخلاق). قم: کتابخانه آیتالله گلپایگانی، شماره ثبت: ۲۶۷۴-۱۴/۱۲۴، [نسخه خطی].

معرفی نویسندگان

حسین پورشریف: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد شهر ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.
(Email: poursharif.h@iau-saveh.ac.ir)

رضا فهیمی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهر ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.
(Email: fahimi@iau-saveh.ac.ir نویسنده مسئول)

منیژه فلاحی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهر ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.
(Email: fallahi@iau-saveh.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Hossein Poursharif: PhD student in Persian Language and Literature, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.
(Email: poursharif.h@iau-saveh.ac.ir)

Reza Fahimi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.
Email: fahimi@iau-saveh.ac.ir Responsible author)

Manijeh Fallahi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.
(Email: fallahi@iau-saveh.ac.ir)